

دکتر مهرناز بهروزی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

Mehrnaz_behroozi@yahoo.com

مهسا عباس شیرازی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

mah.as.shirazi@gmail.com

تاریخ وصول: ۹۶/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۰

چکیده

معماری هر تمدنی بیانگر مظاهر آن تمدن است و وابستگی بسیاری با شیوه نگرش، اوضاع اجتماعی، رشد جوامع و هنر هر قوم دارد. این مقاله به بررسی معماری در دوره هخامنشی و ساسانی پرداخته و با بهره‌گیری از منابع موجود، معماری و سبک مورد استفاده در این دو دوره را معرفی نموده و سپس به مقایسه آنها پرداخته است. کاخ‌ها، قلعه‌ها و استحکامات نظامی، بناهای مذهبی، آرامگاه‌ها، سنگ نگاره‌ها، کتیبه‌ها و دیگر آثار موجود بیانگر آن است که معماری نشان دهنده ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و عظمت و قدرت شاهنشاهی است. هخامنشیان در معماری نیز مانند سیاست به تلاش در راه سازماندهی و برانگیختن تعداد زیادی از اقوام و نژادها و فرهنگ‌های گوناگون پرداختند. معماری هخامنشی در طرح و کلیات استقلال داشت و به عنوان شیوه پارسی مطرح است. با سقوط شاهنشاهی هخامنشی و تسلط یونانیان و سپس روی کار آمدن اشکانیان، شیوه پارتی جایگزین آن شد که از نظر طرح، عناصر، تزیینات، اجرا و حتی مصالح با شیوه پارسی متفاوت بود. شیوه جدید هر چند شالوده معماری دوره ساسانی را شکل داد، اما به جهت تنوع طرح‌ها، اجزا و عناصر بکاررفته و نیز اقتباس زیاد از معماری مناطق مختلف، بیشتر یک مرحله انتقالی و مجموعه‌ای از تجربه‌ها محسوب می‌شد که تأثیر پذیری از معماری هخامنشی در آن مشخص است. بعد از پارت‌ها و روش یونان گرایی سطحی شان تمدن کهن ایران دوباره در حکومت کشور زنده شد. به دلیل اینکه شیوه معماری پارتی در موارد کمی تأثیر در معماری ساسانی داشته از آن گذشته ایم و به معماری ساسانی پرداخته ایم. با توجه به وسعت قلمرو هخامنشی و ساسانی و وجود ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، تنوع در سبک معماری ابن دو دوره مشهود است. ساسانیان در ساخت بناهای مختلف علاوه بر اینکه از دوره‌های پیشین الگو گرفته‌اند، در جهت رشد و توسعه معماری قدم برداشته و به سبک و معماری بناها و کاخ‌ها، مصالح و تزیینات بکاررفته در بناها توجه داشتند که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: دوره هخامنشی، دوره ساسانی، معماری، کاخ‌ها، بناهای مذهبی

معماری همواره یکی از مظاهر مهم در تاریخ فرهنگ و تمدن بشری بوده است. دوره هخامنشی و ساسانی به عنوان مهم ترین دوران تاریخی پیش از اسلام از نظر سبک معماری، همواره مورد توجه محققان قرار گرفته است. با بررسی سبک و ویژگی معماری بناهای این دو دوره می توان به اطلاعات مهمی در این زمینه دست یافت. در معماری هم مانند سایر موارد هیچ سبکی خود به خود و بدون عامل خارجی بوجود نمی آید، هنر هم در آغاز کار، ساخته و پرداخته و کامل پدید نمی آید و کمال هنر نتیجه آزمایش ها و تجربیات ممتدی است که با مرور زمان و تلاشهای فراوان بدست می آید. عالی ترین هنر ایرانی، به معنی حقیقی هنر، همیشه معماری آن بوده است. معماری ایرانی، آینه تمام از اندیشه های انسانی است که ارزش های اخلاقی، اقتصادی و روحیات معنوی در آن به نمایش گذاشته شده است. هیچ اثر تاریخی را نمی توان در یک مقطع تاریخی جدا مورد بررسی قرار داد. غالباً این کار دشوار است، چون زمان، اوضاع و احوال آفت معماری است. با این وجود می توان این شکاف را تا حدی با شواهد به جای مانده از اسناد، روایات و آثار هنری گوناگون برطرف کرد. با مطالعه تاریخ هخامنشی و ساسانی درمی یابیم که شاهان هخامنشی و ساسانی دستاوردهای سیاسی و فرهنگی زیادی داشته اند. برجسته ترین دستاورد هخامنشیان بی تردید آن بود که توانستند چنان شاهنشاهی گسترده و بی سابقه ای را به مدت ۲۳۰ سال اداره و رهبری نمایند و عظمت شاهنشاهی خود را در کاخ ها، سنگ نوشته ها، الواح، سکه ها، ظروف و مقبره ها نشان دهند. دربار شاهی ساسانی نیز به مقوله هنر و معماری توجه زیادی داشته است، چنانکه آتشکده ها یا چهارطاق ها در سراسر شاهنشاهی ساسانی به چشم می خورد. خلاقیت هنری ساسانیان در مدت چهار و نیم سده پادشاهی از پیوستگی ای نسبی برخوردار بوده است. کاخ ها جلوه ای از هنر ساختمانی است و خصوصیت ممتاز آن ها ایوان مرکزی شان بود. مشخصاتی که در تمام آثار هنری هخامنشیان به ظهور رسید به خوبی با ذوق هنری ایرانیان مطابقت دارد. هنر اقوام پارت که با نام هنر اشکانی شناخته می شود و در بین عناصر موجود در هنر اشکانی، می توان عناصر هلنی و هخامنشی را بازشناخت. ساسانیان به فرهنگ، هنر و آداب اقوام مختلف نگریستند و آنچه نیک و سازگار با آنها بود اخذ کردند. دربار پادشاهان ساسانی، مانند هخامنشی بسیار با شکوه و تشریفات و با ابهت و جلال بوده است. ساسانیان همانطور که به گستردگی حوزه فرمانروایی و اعمال نفوذ و قدرت خود توجه داشتند، به عظمت و شکوه معماری بناهای مختلف مخصوصاً کاخ ها و بناهای مذهبی مقید بودند. تأثیر سبک معماری

ساسانی بر معماری اسلامی حتی با سقوط شاهنشاهی ساسانی از میان نرفت. در این مقاله، تلاش می‌شود تا معماری دوره هخامنشی و ساسانی مورد بررسی قرار گیرد و در انتها به مقایسه ویژگی‌های معماری آن دو دوره پردازد.

معماری هخامنشی

هنر دوره هخامنشی ما را با نخستین شاهنشاهی جهان که یکی از منظم‌ترین و مقتدرترین دولت‌ها بوده است روبه‌رو می‌کند (پوپ، ۱۳۸۷، ۳۴). هنر هخامنشیان یک هنر درباری بوده (دیاکونوف، ۱۳۴۶، ۱۸۰). و شاهنشاهی هخامنشی فقط نیازمند هنری بود که بتواند عظمت پادشاهان و به طور کلی شاهنشاهی را نمایش دهد. هنر معماری به خوبی می‌توانست این نیاز حکومت را برآورده سازد. در معماری هخامنشی آنچه بیش از هر چیز دیگر به چشم می‌خورد شکوه و جلال قصور سلطنتی است (شایان، ۱۳۵۱، ۱۴۲). پادشاهان هخامنشی به دلیل کشورگشایی‌های خود به منابعی عظیم دست یافتند و توانستند در مقیاسی گسترده و گشاده‌دستانه به ساختمان‌سازی پردازند (کوک، ۱۳۸۴، ۲۷۷). این نظریه که معماری عصر هخامنشی تا حدود زیادی تحت تأثیر الگوها و مشارکت غربی‌ها قرار داشته، از دیرباز شایع بوده است. در این زمینه گرایشی وجود داشته که آن را یکسره به یونانیان نسبت داده، به نحوی که هنرهای شاهنشاهی هخامنشی را صرفاً، توسعه نبوغ یونانی دانسته است (بوردمان، ۱۳۹۰، ۲۹). معماری هخامنشی مانند معماری یونانی از هماهنگی و تناسب خاصی برخوردار می‌باشد و پادشاهان هخامنشی به منظور اتمام طرح‌ها و برنامه‌های بزرگ معماری و ساختمانی که در واقع نمودار قدرت و تسلط و عظمت آنها محسوب می‌شد، در تمام قلمرو پهناور خود هنرمندان و صنعتگران آزموده و مورد نیاز را جستجو می‌کردند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۵، ۱۱۵). نخستین شیوه معماری شیوه پارسی در دوره هخامنشی به وجود آمد. شیوه پارسی از شروع شاهنشاهی هخامنشی در ایران تا حمله اسکندر به ایران دوام یافت، این شیوه چه در حد خود ایران و چه در کشورهای مجاور در تحت شرایط آن روز ایران آثاری بر جای گذاشته است (میرلطیفی، ۱۳۸۴، ۴۱). مهمترین آثار ساختمانی این دوران آرامگاه‌ها و آتشگاه‌ها و کاخ‌هاست. ویرانه‌های کاخ‌های هخامنشی هنوز در پاسارگاد و شوش و خصوصاً در پرسپولیس دیده می‌شود. در ساختمان‌های بین‌النهرین خشت خام با آجر زیاد بکار رفته است ولی در کاخ‌های هخامنشی سنگ خاکستری رنگ و ظریف کوه‌های مجاور را برای ساختن سردرها و پنجره‌های تالارها ترجیح داده‌اند (واندنبرگ،

۱۳۷۹، ۲۰۳). کریم پیرنیا (۱۳۶۲، ۱۵۵۶/۲) با تحقیقاتی که در اجزاء معماری هخامنشی به عمل آورده خصوصیات سبک مزبور را به این شرح بیان کرده است: ۱- استفاده از سنگ بریده و منظم و پاکتراش و گاهی صیقل و تهیه بهترین نوع مصالح از لحاظ مرغوبیت و رنگ و دوام.

۲- آماده کردن پای بست بنا و سنگریزه و گاورس دست ساز و پی سازی و پی کوبی، و بنای ساختمان بر روی سکو و تختگاه.

۳- نهادن ستون ها در حد اکثر فاصله ی ممکن و تا ارتفاع بسیار چشمگیر و آرایش سر ستون ها با جزئیاتی که برای بردن سقف و تیربارهای سقف چوبی کاملاً متناسب و منطقی باشد.

۴- پوشش تیربار سقف و تیر و تیرچه چوبی سخت و بریده شده.

۵- آرایش طارمی پلکان های کوتاه و مالرو با نقش های برجسته و کنگره های زیبا و متناسب.

۶- برش دقیق و ظریف درگاه ها و آرایش سردرها.

۷- ساختن دیوارهای جداکننده با خشت خام و آرایش داخلی و خارجی آن بارنگ و کاشی

لعبادار.

۸- پرداختن فرش کف با بهترین مصالحی که در آن روزگار یافت می شده است.

۹- آرایش پیرامون مهمان خانه ها، نشیمن ها، گنبدخانه و عمارت اصلی با استخر و آب نما

و پردیس.

۱۰- ارتباط آشپزخانه و مستحذات فرعی، با راه های پنهانی، با بنای اصلی.

۱۱- تعبیه سایبان و آفتابگیر برای ساختمان ها (پیرنیا، ۱۳۶۲، ۱۵۵۶/۲).

در میان عناصر معماری هخامنشی، ستون از اعتباری خاص برخوردار است. اگرچه ساختمان چهل ستون پیش از هخامنشیان در بسیاری از نقاط جهان آن زمان متداول بوده ولی برای اولین بار در سرزمین پارس، فاصله ستون ها و ارتفاع آنها تا حد امکان افزایش یافته است. در حالی که در بناهای مصری که پیش از هخامنشیان ساخته شده اند، فاصله ستون ها مساوی و یا حتی کمتر از قطر آن هاست. با افزایش ارتفاع و فاصله پایه ها و دیوارهای بین آنها، فضای حاصل وسیع تر گشته و از ابهت بیشتری برخوردار گردیده است (تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۶، ۶۶). به عنوان مثال معماران هخامنشی در پرسپولیس چهار نوع سرستون ساخته اند: ۱) سرستون با پیکر گاو، ۲) سرستون با پیکر شیرهای شاخدار، ۳) سرستون با سر انسان، ۴) سرستون با پیکر حیوانات افسانه ای، هر یک از انواع سرستون ها با کاربرد ساختمان ها ارتباط مستقیم داشته است (جعفری دهقی، ۱۳۹۰، ۸۰). مهمترین شاخص معماری هخامنشی فقط در بلندی ستون ها یا نقش های ریز درهم

با رنگ آمیزی نقش های برجسته نیست، بلکه در مهارت استفاده از فضا و صفحه خالی هم می باشد(فرای ، ۱۳۴۴ ، ۲۰۴).



ستون های پاسارگاد (اشمیت، ۱۳۸۸، ۱۳)

در معماری هخامنشی صورت سازی های درگاه ها، بالای طاقما و پاگرد پله ها اقتباس از آشور بود، به تقلید از معماری آشور، تندیس های بزرگ مدخل بنا را نگه می دارد، اهورمزدا در هوا بال گشوده و هاله ای دورادور وی را گرفته است که یادآور قرص خورشید می باشد، شاه بر تختی نشسته و بندگانش اطراف وی را گرفته اند. اما ویژگی بسیار برجسته ای معماری عصر هخامنشی را از سبک بناسازی آشور جدا می کند و آن اهمیت زیادی است که در معماری هخامنشیان به ستون داده می شود و حال آنکه در معماری آشور ستون سازی از اهمیت چندانی برخوردار نبوده است. بکار بردن ستون در بناها تقلیدی بود که ایرانی ها از تالار بزرگ معبد تب در مصر کرده بودند. بنابراین تنها پس از فتح مصر به دست کمبوجیه بود که ایرانیان به فکر برافراشتن ستون های خیاره دار با عظمت افتادند. آراستن کاخ های شاهی نیز تقلید از معابد مصری بود، زیرا ایرانیان معابدی نداشتند تا این تزیینات را در آنجا به کار برند(هوار ، ۱۳۶۳ ، ۸۴). در عناصر معماری ایرانی روشن است که بهره گیری از آجرهای لعابدار تداوم سنن عیلامی/ایلامی و بابلی بوده است(گیرشمن ، ۱۳۷۶ ، ۶۹). آجرهایی که در ساختمان های دوران هخامنشی به کار برده شده است یا لعاب دار است یا بدون لعاب. آجرهای بدون لعاب بیشتر در شوش به کار برده شده است و در ابتدا روی آن ها حیواناتی نقش شده است مانند : گاومیش های بالدار و شیر شاخ دار و بالدار یا حیوانات افسانه ای دیگر(واندنبرگ ، ۱۳۷۹ ، ۲۰۴). این آجرها را با گل رس نساخته اند، بلکه برای ساختن آنها آهک را با ماسه مخلوط کرده، آنرا در قالب هایی قرار داده سپس به کوره برده اند. آجرهای لعابدار را به این طریق می ساختند که ابتدا ماسه را با

آهک مخلوط می کردند و آنرا در قالب قرار می دادند و پس از این که خشک می شد آنرا به کوره می بردند و حرارت مختصر به آن می دادند، و سپس با لعاب آبی رنگ، نقوشی روی آن نقش می کردند و مجدداً آنرا به کوره می بردند و پس از اینکه حرارت مختصری به آن می دادند باز آن را از کوره بیرون آورده قسمت هایی را که رنگ نخورده بود رنگ می زدند و برای آخرین بار به کوره می بردند. ایجاد نقوش روی آجر لعاب دار بیشتر در شوش بکاررفته و در تخت جمشید بیشتر نقوش روی سنگ کنده شده است (واندنبرگ، ۱۳۷۹، ۲۰۵). گچبری اطراف درها و طاقچه های تزئینی و راهروها اقتباس از مصر بوده و اصل تالار چهل ستون نیز به مصر منتسب است. تخته گاه و سنگ کاری آن (در پاسارگاد و پرسپولیس) از ویژگی های اورارتو است؛ پلان کاخ های پرسپولیس نیز ظاهراً ریشه اورارتویی دارد (گیرشمن، ۱۳۷۶، ۶۹). اماکن سلطنتی از لحاظ تزئین و شمایل نگاری، فنون معماری، مصالح و صنعتگرانی که در آنجا کار کرده اند، گویای تنوع فرهنگی و وجود منابع انبوهی در سراسر شاهنشاهی هخامنشی هستند که شاهنشاه ایران به خوبی توانسته بود آنها را بسیج کند. عناصر گوناگونی در همه سطوح به کار گرفته شد تا تصویر نوینی از پادشاهی بیافریند، تصویری که نشان دهد شاهنشاه ایران در سراسر شاهنشاهی اش از حمایت اقوام متعددی برخوردار بوده است (کورت، ۱۳۷۸، ۶۳). به طور کلی سه نوع اثر معماری برای دوره هخامنشی قائل می شویم: ۱) کاخها و تالارها، ۲) بناهای تدفینی، ۳) بناهای مذهبی (جعفری دهقی، ۱۳۹۰، ۷۸).



ستون های پرسپولیس (اشمیت، ۱۳۸۸، ۱۴)

در معماری دوره هخامنشی با توجه به امکانات و محدودیت‌ها و شرایط و موقعیت‌ها و ریشه‌های ظهور آن نوعی از سازگاری فضا و منطق سازه، ملاحظه می‌شود. که اهمیت ویژه ساختمان را به عنوان رابطی میان خواسته‌های انسان و دنیا در نظر سازندگان و برپا کنندگان آنها بیان می‌کند. با بررسی مدارک و آنچه که از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده است، می‌توان معماری دوره هخامنشی را به این صورت معرفی کرد: یکی از عناصر مهم ساختمانی صفت است که پشت به کوه دارد و روی آن ساختمانهای کاخها و اقامتگاههای شاهی را با پلکانهای سنگی برای صعود به صفت بنا می‌کردند. هخامنشیان تنها سازندگان کاخ نبودند بلکه از آنها نیز معابد و مقابر آرامگاهی صخره‌ای به جای مانده است. یکی از ویژگی‌های معماری هخامنشیان استفاده از تالارهای ستون‌دار که به وسیله ستون‌های سنگی ساخته می‌شدند بود. سنگ اصلی ترین ماده اولیه در ساخت بناهایشان بوده است. آنها از سنگ‌های تراش خورده در ساخت دیوارها، پله‌ها، وستون‌ها بهره می‌بردند و از لاشه سنگ‌ها در پی بناها و پی‌سازی ستون استفاده می‌کردند و در ساخت دیوارها و صفت‌ها خشت استفاده می‌کردند. در سقف‌ها الوارهای چوبی و در برخی از ستون‌ها هم از چوب استفاده می‌کردند. در تزئین بناها، رنگ، کاشی، دیوارنگاره‌های سنگی و سنگ‌های قیمتی بکار می‌بردند. معماری هخامنشی از پیشینه‌ای غنی و بادوام برخوردار است. معماری این دوره به نوعی شکل تکامل یافته معماری ایلامی و مادی است و به عبارت دیگر هخامنشیان از آن مجموعه فنون و هنرهای ساختمانی با روشی خاص و استادانه استفاده کرده‌اند.



(کخ، ۱۳۷۶، ۱۶۸)

معماری دوره هخامنشی به علت وجود آزادی مذهبی و قدرت مرکزی و نیز به قصد ایجاد قدرت و عظمت موفق شد، به پیشرفت چشمگیری برسد.

معماری اشکانی

به شیوه معماری ایرانی بعد از حمله اسکندر تا آغاز دوره اسلامی در ایران، شیوه (پارتی) می گویند. قوم پارت یکی از اقوام مهم آریایی نژاد و ساکن بخش های شمال شرقی ایران، از جمله قسمتهایی از خراسان بودند و نخستین مرکز حکومتی آنها شهر «نسا» در عشق آباد امروز (پایتخت ترکمنستان) بود. کلیه بناهای ساخته شده در دوره های اشکانی و ساسانی، دارای شیوه معماری «پارتی» هستند. دارا بودن تنوع فوق العاده در طرح های معماری، از مشخصه های معماری ایرانی و به ویژه شیوه پارتی است (مشتاق، ۱۳۸۷، ۱۵۳). ویژگی های شیوه معماری پارتی به این شرح است: (۱) استفاده از انواع طاقهای مازه دار و گنبد. (۲) استفاده از سنگ لاشه و ملات گچ (در سطح وسیع) در ساختار و سازه بناها. (۳) محوریت تالار گنبددار در بنا. (۴) مرکزیت حیاط سرباز و قرار گرفتن اتاق ها و فضاهای سرپوشیده در اطراف حیاط. (۵) رشد شهرسازی. (۶) ساخت قلعه ها و برجهای نگهبانی و حفاظتی در نزدیک یا مجاورت شهرها. (۷) ساخت معابد و چهار طاقی های کثیر در سراسر ایران. (۸) آمود گچ کاری و گچ بری در نمای خارجی و داخلی بناها (رسولی، ۱۳۸۸، ۴۶). پارتیان در زمینه معماری دو کار مهم انجام دادند: ۱- دستیابی به گنبد روی گوشواره. ۲- تکوین ایوان طاق دار، این دو ابداع اشکانیان در دوره های بعد، نقشی حیاتی داشتند. به طور کلی آنچه در معماری دوره اشکانی جالب توجه و چشمگیر است، وجود حیاط باز در میان ایوانهای عریض اطراف آن و نیم ستونهای چسبیده به دیوار است. گچبری ها و نقاشی های رنگارنگ از عناصر جالب توجه در معماری اشکانی است، که دارای ویژگیهای خاص خود می باشد. استفاده از طاق گهواره ای، مشخص ترین عنصر معماری زمان اشکانیان بوده است (مشتاق، ۱۳۸۷، ۳۴). ایوان که از همان مرحله نخست در معماری دوره پارتی ظاهر شد، احتمالاً در ارتباط با چادرخانه بدوشان بوده که از یک طرف باز می شده است (بوسایلی و شراتو، ۱۳۷۶، ۱۴). دیوار کاخ ها را با سنگ های تراشیده بالا می بردند و از آجر و خشت استفاده می کردند و میان آن گل و آهک می ریختند، و یا سنگ های تراشیده در آن کار می گذاشتند. پارتیان کاخ هایی شامل سه ایوان برپا می کردند و بجای سقف که در زمان هخامنشی و سلوکی معمول بود طاق

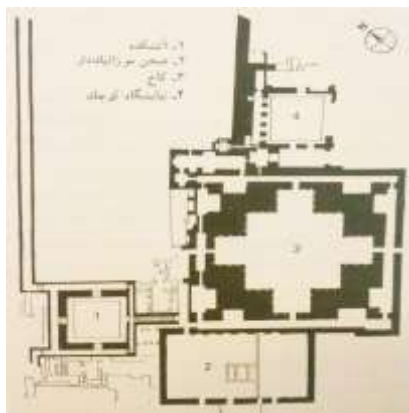
هلالی به کار می بردند. ستون ها دیگر مورد استعمال نبوده و نیمه ستون های تزئینی جای آنها قرار می دادند. روی دیوارها را با گچ بری ها می پوشاندند و موضوع نقش شده گچ بری ها خطوط هندسی بوده است (واندنبرگ ، ۱۳۷۹ ، ۲۰۹).

معماری ساسانی

هنر ساسانی به تدبیر و سرپرستی بنیانگذار آن، اردشیر اول تکوین یافت، و چهارچوب بنیادینش تعیین گردید. بسیاری از مضامین و نگاره های آن از شرق باستانی استخراج شد، لیکن نفوذ منابع هنر فرهنگ «یونانی، رومی» بر آن تأثیری قابل ملاحظه و انکار ناپذیر گذاشت. این بن مایه های گوناگون در طول چهار قرن حکومت ساسانی به گذاردن تأثیرات متقابل با نوساناتی متفاوت بر یکدیگر ادامه دادند. گرچه هنر ساسانی را باید اصالتاً هنری شاهانه بدانیم، که بیشتر اختصاص می یافت به بازنمایی هیئت پادشاه در اعمال و احوال مختلف، لیکن در آن همچنین طیفی گسترده از نگارهای گیاهی و جانوری و پرنده‌ای، گاه با کاربردهای نمادین یا رمزی، نیز مورد بهره‌وری قرار می گرفته است (فریه ، ۱۳۷۴ ، ۷۹). هنر ساسانی نه تنها بمثابه هنر درباری، بلکه به طور کلی انعکاسی از مرحله پیشرفت اندیشه فئودالی در ایران و کشورهای همجوار بود و هدف عمده‌اش تأیید سیاسی دودمان ساسانی در پیشگاه همه مردم و همه جهانیان بوده است (لوکونین ، ۱۳۵۰ ، ۲۷). در هنر ساسانی خلاقیت کهن ایرانی، یعنی توجه به ساخت و سازهای با شکوهی که عظمت را با ظرافت پیوند می زند، زنده است (هیتس ، ۱۳۸۷ ، ۴۲۶). علی رغم حیات طولانی مدت دوره ساسانی، آثار معماری زیادی از این دوره برجای نمانده است، لذا مشکلاتی در مطالعه سبک شناسی، تاریخ گذاری و جنبه های مختلف معماری این دوره وجود دارد (Reut her, ۱۹۳۹, ۴۹۲-۴۹۳). معماری دوره ساسانی در کنار تداوم طرح ها و تکنیک های اشکانی، شاهد تکامل طرح های قبلی و نوآوری ها، تکنیک ها، اجزا و عناصر جدید است. ساختمان های اصلی معماری ساسانی هم مانند هخامنشیان، کاخ های شاهی بود و اصرارشان بر این بود که مانند آن ها شاه را در آپادانا همانند خدایی که از آسمان فرود آمده نشان دهند. از جمله مهمترین دستاوردهای این دوره اجرای گنبد بر زیربنای چهارگوش بود. در معماری ساسانی، نقشه هایی با عنصر مسلط ایوان بسیار چشم گیر است. این نقشه ها به صورت یک ایوان بزرگ و تالار مانند که تمام نقشه و نمای بنا را تحت الشعاع خود قرار می دهد و یا به صورت نقشه دو ایوانی، سه ایوانی و چهار ایوانی بوده است. معماری ساسانی تنوع گسترده ای از بناهای مسکونی،

کاخ‌ها، بناهای مذهبی، قلعه‌ها و استحکامات نظامی، پل‌ها و موارد دیگر را شامل می‌شود. تمدنی که در دوره هخامنشیان در چهار دیوار فرهنگ کاملاً شرقی محصور بود، در دوره ساسانیان با تمدن‌های بیگانه‌ای که مجذوب آن شده بود ایجاد رابطه نمود تا از فوایدی که این ارتباط دربرداشت بدون از دست دادن چیزی بهره‌مند شود و همچنان ویژگی‌های ایرانی خود را حفظ نماید و این هم که نقش پادشاهان روی صخره‌های نقش رستم نزدیک پرسپولیس حک شده بدون مقصود نبوده است (گدار ، ۱۳۷۷ ، ۲۳۲). در خصوص وجود معماری پارتی در خاک ساسانیان اسناد و شواهد مستقیمی وجود ندارند، آثار پارتی به استثناء کاخ کوه خواجه در سیستان، در بیرون از منطقه ایران، یعنی آشور، هاترا، و نسا قرار دارند. با وجود این، معماری دوره ساسانی یکی از ویژگی‌های اساسی خود را مدیون پارتیان است، یعنی ایوان یا اتاق گنبد داری که سه طرف آن محصور به دیوار و جهت چهارم آن کاملاً باز است. تعدادی از نقش‌نمایه‌های یونانی که از سوی ساسانیان بکار گرفته شده نیز از طریق پارتیان به آنها منتقل گشته است. اقتباس از ویژگی‌های معماری هخامنشی همچون «شیار مصری» یا «فاق مصری» در فیروزآباد و یا در بیشاپور از آثار مستقل و در عین حال پراکنده و متفرق است. در شکل‌گیری آثار عمومی نظیر پل‌ها و سدها تأثیر شدید فرهنگ رومی مشهود است. کاربست اصل تقارن در بخش‌های مختلفی از ساختمان که از نقشه‌ها کاملاً روشن و مشخص است بسیار معمول بود، اتاق‌های پذیرایی عمومی بلندتر و بخش‌های خصوصی کوتاه‌تر بودند. از ویژگی‌های معماری ساسانی که در زیباترین نمونه‌هایش جلوه یافته است، مفهوم جذاب و ضروری فضای آن بود. فضا مجزا بود، یعنی دیوارها آن را توجیه و تفسیر می‌کرد. نقش درونی نیروهایی که تعادل و توازن را ایجاد می‌کردند، پیوسته و روشن و مشخص بود و در درون ساختمان کم نمی‌شد و یا به بیرون منتقل نمی‌گشت. در این قلمرو، معماری ساسانی نقطه مقابل معماری رومی بود که در آن دستیابی به یک فضای فریبنده و پویا از لوازم اصلی به شمار می‌رفت (بوسایلی و شرآتو ، ۱۳۷۶ ، ۳۷). سبک معماری ساسانی را از روی ویرانه‌های کاخ‌ها و پرستشگاه‌ها و آتشگاه‌ها و استحکامات و پل و بندها می‌توانیم تشخیص دهیم. دیوار کاخ‌ها و آتشگاه‌ها را با سنگ تراشیده ساخته و با دقت روی هم قرار داده‌اند. ولی در موارد دیگر بیشتر سنگ نتراشیده یا آجر به کار رفته، که در میان آن گچ یا آهک ریخته‌اند (واندنبرگ ، ۱۳۷۹ ، ۲۲۲). مواد ساختمانی که در غرب ایران به کار می‌رفت، لاشه سنگ‌ها همراه با ملات گچی و نیز آجرهای پخته و گاهی نیز خشت در بین النهرین و سیستان، بود. قطعاتی از سنگ نیز مخصوصاً در آتشکده‌ها و کاخ بیشاپور و در طاق گره و در پایکلی به فراوانی

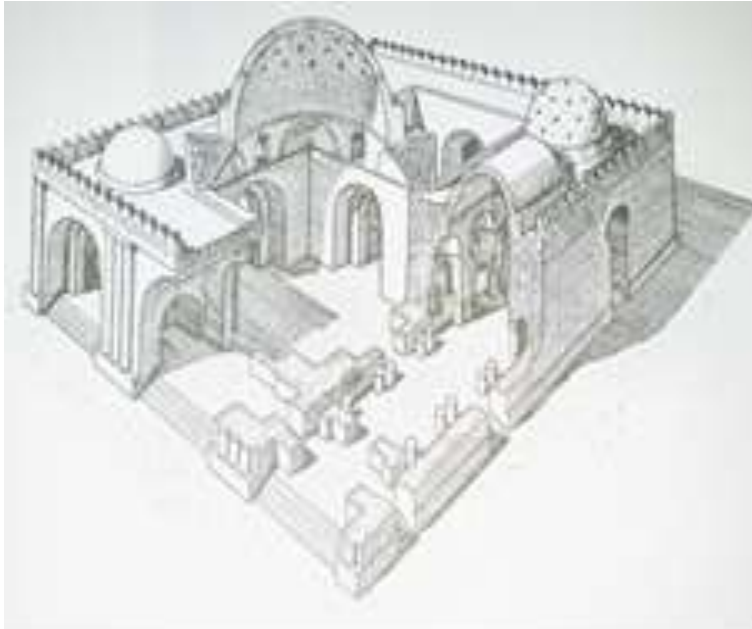
به رفته است (بوسایلی و شراتو ، ۱۳۷۶ ، ۳۷). ساختمان کاخ ها معمولاً از دو قسمت تشکیل می شد. بخشی شامل ایوان های مخصوص پذیرایی است مانند تالار بار، و بخش دیگر محوطه هایی است که در اطراف آن اتاقهایی برای سکونت ساخته می شد. ایوان برخلاف ساختمان های پارتی، به صورت اتاق مجزایی به حساب نمی آمد بلکه در حکم یک سرسرای بزرگ بود که ورودی اش به اتاق مربعی گنبد دار منتهی می شد. با سنجش از روی سر ستون های مرمری به سبک بیزانسی مکشوفه در طاق بستان و بیستون و اصفهان مشخص است که کاربرد و کاربست ستون برای معماری ساسانی از عناصر شناخته شده محسوب می شد (بوسایلی و شراتو ، ۱۳۷۶ ، ۳۹). طرح کاخ ها (مانند فیروز آباد و سروستان) معمولاً مرکب از دو قسمت است : اول ایوان هایی مخصوص پذیرایی، مانند تالار بام، که از سه طرف بسته و یک طرف باز است، و با طاق گهواره- ای شکل پوشیده است، و در عقب آن حیاط هایی وجود دارد، که در اطرافش اتاق هایی برای سکونت ساخته شده بود. معماران ساسانی طاق های گهواره ای شکل و گنبدهایی که روی پایه چهارگوش قرار گرفته است زیاد به کار برده اند. از تشریفات مذهبی آنچه که مربوط به عموم مردم بوده در اطراف چهار طاقی انجام می گرفته است و آن چهار طاقی عبارت از بنای کوشک مانند گنبدداری است که از چهار طرف باز بوده و گنبد آن روی چهار پایه ای محکم قرار داشته است. آتشی که در زیر آن روشن می شده از محل محفوظی که در مجاورت چهار طاقی قرار داشته به آن محل آورده می شد (واندنبرگ ، ۱۳۷۹ ، ۲۲۲). معمولی ترین طاق های زمان ساسانیان طاق های ضربی است که اغلب از جرزهایی که پایه طاق را روی آنها می گذاشته اند اندکی عقب تر می زده اند تا دوام طاق بیشتر باشد. طاق گلابی اگر می زدند گودی بالای آن را با گچ پر می کردند تا آن هم به شکل طاق ضربی دربیاید. نوگرایی در معماری ساسانی، طاقهای هلالی و گنبدها بود و به ویژه در بنای آتشکده ها به کار می رفت. ابداع شیوه چهارطاقی در بنا نیز، در دوره ساسانی اتفاق افتاد (کرتیس ، ۱۳۹۱ ، ۱۱۳).



نقشه محوطه و کاخ بیشاپور (خادمی ندوشن، ۱۳۹۱، ۲۳)

یکی از ویژگی های معماری ساسانی تاکید بر گنبدهای تونلی و یا گنبدهایی با بخش «چلیپایی» شلجمی شکل بود. سایر ویژگی های خاص معماری ساسانی عبارت بود از: گنبدی مبتنی بر نیم گنبدها که از ابداعات ساسانیان بود و اتاق مربع شکلی که گنبدی بدان حائل بود و در سکنج ها تعبیه می شد (بوسایلی و شرانو، ۱۳۷۶، ۳۷). به طور کلی پوشش های معمول در دوره ساسانی منحصرأ طاق های استوانه ای، گنبد کروی و طاق های مخروطی بوده اند، که رابطه طرح مربع را به پایه مدور گنبد داده است. قدیم ترین گنبد ایرانی که تا به حال شناخته شده، گنبد کاخ اردشیر در فیروزآباد است. این گنبد که بر روی دیوارهای خیلی ضخیم بنا شده، چنان نادرست و بی ترتیب ساخته شده که در ارتفاع چند متری از قاعده آن هنوز برش افقیش مدور نیست و به احتمال زیاد، این گنبد یکی از اولین انواع طاقی است که در ساختمان تحقق یافته و مدت ها پیش از ساختمان آن دهقانان فارس ساختن آن را می دانستند و آن را با خشت خام می ساخته اند و قدیم ترین نمونه آن از میان رفته است. این نوع طاق که در دوره ساسانی سیر تکاملی را می پیمود، و ساختار طاق بین سطح مربع و قسمت مدور گنبد تا دوره اسلامی متکی به قاعده درستی نبود، با وجود این در تمام دوره ساسانی جزء با شکوه ترین و پسندیده ترین طاق ها شناخته شده بود (گدار، ۱۳۷۷، ۲۵۲). معمار ایرانی در دوره ساسانی طاق های استوانه ای و گنبد را با سنگ ناتراشیده یا تراشیده و آجر یا یا خشت خام به آسانی می ساخته و نیز ساختن سقف های چهار ترک را با همان مهارت می دانسته است. اما طریق تداخل سقف ها و اصول سقف های زاویه دار

را نمی دانسته است. مثلاً اگر ایوانی را با گنبدی می پیوست، ایوان باید در پایین مبداء گنبدی روی دیواره های تالار مربع تکیه کند یا پیش از رسیدن به گنبد متوقف گردد، مانند کاخ سروستان. هنگامی که ایوان های فرعی در ایوان اصلی باز می شدند سقف های استوانه ای آنها روی دیوارهای جانبی ایوان بزرگ و در پایین مبدأ طاق آن تکیه می کردند، چنانکه در کاخ فیروزآباد دید می شود (واندنبیگ، ۱۳۷۹، ۴۹). ویل دورانت (۱۳۹۱، ۲۵۱/۴) در مورد هنر ساسانی ذکر می کند که، از ثروت و جلال شاپورها، قبادها و خسروها، چیزی جز بقایای هنر دوران ساسانی به جا نمانده است، اما همین مقدار کافی است که ما را از دوام و قابلیت انعطاف هنر ایرانی از زمان داریوش و پرسپولیس تا دوران شاه عباس و اصفهان به شگفت آورد. آنچه از معماری ساسانیان باقی مانده کاملاً دنیوی است، آتشکده ها همه ناپدید شده اند و فقط آثار کاخ های سلطنتی به جا مانده است. توجه به اطلاعات و تحلیل های ارائه شده، معماری ساسانی هر چند تا حدودی تداوم معماری دوره اشکانی به شمار می رود، اما در دوره ساسانی است که این شیوه شکل کامل و مستقلی به خود می گیرد. معماری دوره ساسانی شیوه ای مستقل، متمایز با طرح ها، اجزا، عناصر و مصالح مختص به خود است. این نکته حائز اهمیت است که برخلاف دوره طولانی مدت ساسانی، آثار مطالعه شده اندکی از این دوره وجود دارد، و این مسأله در کنار تنوع زیست محیطی، سنت های مختلف و منطقه ای معماری، گونه شناسی معماری این دوره را مشکل می سازد. بناهای به جامانده از این دوره عمدتاً در دو گونه کاخ ها و بناهای مذهبی قرار گرفته و پل ها در رتبه بعدی قرار می گیرند و مدارک نشان می دهد بیشتر توان معماری این دوره به ساخت بنای کاخ ها و آتشکده ها اختصاص می یافته است. استفاده از نقشه هایی با عنصر مشخص ایوان، گنبدخانه و صحن (به صورت یک، دو، سه و گاه چهار ایوانی)، مشخصه معماری این دوره است. شاخص ترین مصالح مورد استفاده دوره ساسانی، سنگ لاشه و ملات ساروج بوده که برای بسیاری از بناهای شاخص این دوره مورد استفاده قرار گرفته است (کاخ فیروزآباد، برج فیروزآباد، قلعه دختر) (Huff, ۱۹۸۷, ۳۲۹).



پوشش‌های گنبدی و طاق‌های ضربی کاخ سروستان (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۶، ۱۲۹)

شاخص‌ترین بناهای دوره ساسانی پوشش‌های طاق و گنبد داشتند. با این حال مدارک و شواهد نشان می‌دهند معماری ستوندار با پوشش‌های مسطح تیزپوش در این دوره رواج داشته است (Pope, ۱۹۳۳, ۷۵). ابداع و مهارت بسیار در برپایی سازه‌های طاق و گنبد بر روی فضاهای چهارگوش وسیع از مهمترین دستاوردهای معماری ساسانی است. اجرای طاق‌های گهواره‌ای و شلمجی شکل، و استفاده از قوس‌ها یا تویزه‌های گلی و گچی پیش ساخته و تیرهای چوبی بکاررفته در سازه‌ها از مشخصه‌های دیگر این معماری است. در زمینه تزئینات، در کنار استفاده گسترده و هنرمندانه از تزئینات گچبری، باید به استفاده گسترده از نقاشی دیواری، طاقنما سازی و نیم ستون‌های تزئینی و همچنین تزئین پیکره‌ای یا نقش برجسته از گچ، گل رس و چوب اشاره کرد.

مقایسه معماری دوره هخامنشی با دوره ساسانی

هخامنشیان بابت بهره‌گیری از اقوام پیش از خود و هماهنگ کردن آنها در یک کل یکپارچه توانستند به این غنای فرهنگی، هنری و مادی دست یابند. سستهای هنری موجود در شاهنشاهی هخامنشی نظام پیچیده‌ای از تعامل هنری اقوام مختلف با اشکال گوناگون هنری بودند. این اشکال گوناگون در معماری سنگی و آجری، پیکر تراشی سنگی و نقش برجسته کاری، نقاشی دیواری، ضرب سکه و مهر، ظروف شیشه‌ای و فلزی، زیورآلات زرین و سیمین، ساز و برگ اسب، سلاحهای تزیینی، آثار چوبی حکاکی شده، عاجکاری و منسوجات خلاصه می‌شدند. با پشتیبانی شاهان هخامنشی نوعی هنر رسمی درباری شکل گرفت که ماهیت تبلیغی داشت و ملهم از موارد هنری اقوام گوناگون شاهنشاهی بود (آژند، ۱۳۹۰، ۳۴). معماری در دوره هخامنشی صنعتی است ترکیبی که هر قسمتی از آن از مملکتی اقتباس شده و سهم ایرانی آن در این است که شیوه‌ها و سلیقه‌های مختلف را به هم مربوط ساخته و تناسبی بین آنها ایجاد کرده بود. سرزمین‌هایی که صنایع یاد شده از آنها اقتباس شده بدین قرار است: بابل، آشور، مصر و شهرهای یونانی آسیای صغیر. ساختن عمارت‌ها روی بلندی‌ها یا تپه‌های مصنوعی و دادن پله‌ها از دو طرف و صورت سازه‌ها در درگاه‌ها و پله‌ها تقلید آشور است. استعمال خشت به جای آجر نیز پیروی از آشور است. در عمارت‌های هخامنشی پی و ستونها و پله‌ها از سنگ است و به همین جهت این قسمت‌ها باقی مانده و آنچه خشت بوده بکلی خراب شده. در عمارت‌های هخامنشی به ستونها و تعداد آنها اهمیت زیاد داده‌اند و این اقتباسی است که ایرانی‌ها از معابد مصری بعد از فتح مصر کرده‌اند. نفوذ مصر در تزیینات بالای شاه‌نشین‌ها و درگاه‌ها نیز مشاهده می‌شود و نیز در مقابری که داریوش و سایر شاهان هخامنشی در کوه کنده‌اند، حجاری‌هایی یافته‌اند که شیوه آن اقتباس از حجاری معابد زیر زمینی مصری‌ها است و به دلیل اختلاف مذهب در آن تصرفاتی شده است (پیرنیا، ۱۳۷۶، ۱۲۵). معماری هخامنشی با وجود اقتباسات مذکور خصایصی دارد: اول، تناسبی که بین شیوه‌های مختلف در موقع ترکیب آنها ایجاد کرده‌اند و حال آنکه هر کدام از شیوه‌ها از مملکتی اقتباس شده است. دوم، عظمت و بزرگی بناها که این عظمت در هیچ‌جا سابقه ندارد. سوم، کثرت تجمل و تزیینات این نکته آخر از این جهت است که صنعتگران برای شاهان کار کرده‌اند و صرفه‌جویی موردی نداشته است (پیرنیا، ۱۳۷۶، ۱۲۶). با توجه به آثار موجود و مکشوف تمدنهای کشورهای باستانی که شاهنشاهی هخامنشی را تشکیل می‌داده است، می‌توان منشأ و منبع هنرهای معماری شاهنشاهی هخامنشی را به شرح ذیل تا حدی مشخص و توجیه

نمود: آرامگاه کوروش اول و بنای تخت گوهر، پیروی از طرح و معبد عیلامی چغازنبیل با ابتکار مناسب مربوط به احداث بناهای نامبرده از تخته سنگهای تراش بسیار بزرگ. پاسارگاد و پرسپولیس، به منظور بنیاد کاخها بر سطح بلند که معمول به دوره‌های باستانی در سرزمین ماد و کشور اورارتو و سایر کشورهای متمدن بود و تپه سیلک و زیویه و دژحسنلو و کاخهای هگمتانه نمونه هائی از آنها است. صفة‌های نامبرده با استادی و هنرمندی کامل خصوصاً در پرسپولیس احداث گردید، ولی طرز صفة بندی و چگونگی پلکانهای صفة پرسپولیس در آثار باستانی جهان منحصر بفرد بوده هیچ کجا نظیری برای آن نمی توان یافت. بناهای کعبه زردشت و زندان سلیمان، تا حد مختصری از طرح و معبد عیلامی چغازنبیل اقتباس نموده و ابتکار و سلیقه فراوان در آنها بکار رفته است. کاخ شوش و کاخهای مختلف پرسپولیس ترکیب و اقتباس از هنر معماری ماد، آشور، عیلام، مصر، ایونی، اورارتو که به نحو بسیار وسیع و کاملی به صورت معماری مخصوص شاهنشاهی هخامنشی در آمده و مراحل تکمیل و توسعه را پیموده و ابتکارهای زیاد در آنها بکاررفته و معماری بی سابقه مخصوص شاهنشاهی مزبور را بوجود آورده است. چنانچه طرح کاخهای آپادانا شوش و پرسپولیس مشتمل بر تالار مرکزی و سه ایوان در سه جانب و سه پلکان در مقابل ایوانها، یا طرح کاخ خزانه و طرح هر یک از کاخهای اختصاصی داریوش اول و خشایارشا و اندرون شاهی در هیچ یک از آثار باستانی کشورهای متمدن قدیم چون مصر، آشور، بابل و یونان وجود ندارد. با توجه به دخمه های دوران ماد یا بناهای دژ حسنلو یا ویرانه‌های کاخهای آشور یا معبد‌های باستانی مصر معلوم می گردد که در شاهنشاهی هخامنشی چگونه از هنرهای پیشین اقتباس شده (مصطفوی، ۱۳۴۶، ۳۸). معماری دوره ساسانی یکی از ویژگیهای اساسی خود یعنی ایوان را وام دار معماری پارتیان است. شماری از نقش مایه های تزینی هم از معماری پارتیان وارد معماری آنها شده است (بوسایلی و شراتو، ۱۳۷۶، ۳۹). مصالح مهم معماری ساسانی شامل لاشه سنگها، ملاط گچی، آجرهای پخته و خشت خام بودند. گیرشمن (۱۳۵۰، ۲۸۰) با بررسی مصالح و تکنیک ساختمانی بناهای دوره ساسانی ضمن بنیان اعتبار و اهمیت معماری این دوره و ارائه شواهدی از تأثیر آن در معماری خارج از مرزهای ایران، معماری ساسانی را عمیقاً دنباله معماری عهد پارت شناخته و معتقد است که هنر ساسانی، به عکس آنچه که معمولاً می گویند، معرف یک تجدد و احیای ناگهانی نیست و همچنین تجلی متأخری از هنر یونانی نمی باشد و نیز پیدایش مجدد سنن قدیم شرقی عاری از هرگونه تأثیر غربی هم به شمار نمی رود. هنر ساسانی که آخرین جلوه هنر شرقی قدیم است و قدمت آن به چهار

هزار سال می رسد خلق مستقیم آخرین جلوه هنر پارتی بود. به این ترتیب او ضمن تأیید اصالت معماری ساسانی همچنانکه اثر هنر همسایگان در آن را نفی نمی کند به اثر متقابل آن در معماری مغرب زمین نیز توجه دارد. اساساً روش گیرشمن در مطالعه آثار معماری ایران متذکر این واقعیت است که ارتباط فرهنگی ایرانیان با همسایگان به ویژه رومی ها به سبب جنگ های پیاپی ساسانیان و رابطه تجاری آنان، اجتناب ناپذیر بوده و اثر هنر بیگانگان در بناهای دوره ساسانی و دیگر دوره های تاریخی ایران و متقابلاً تأثیر هنر ایرانیان در آثار همسایگان یکی از پیامدهای این روابط فرهنگی است؛ و معماری همچون دیگر پدیده های هنری تکامل خود را مدیون همین روابط استاز خصوصیات کلی معماری ساسانی تأکید بر گنبد، نیم گنبدها (که از ابداعات ساسانیان بودند) تأکید بر سه کنج ها، ایوان، کاربرد اصل تقارن در بخش های مختلف بنا و بالاتر از همه مفهوم ضروری و جذاب فضابندی بنا بود. فضابندی در معماری ساسانی مجزا بود، یعنی دیوارهای بنا آن را توجیه و تفسیر می کردند و در این خصوص معماری ساسانی در تقابل با معماری رومی بود. در معماری ساسانی کاربرد ستون از عناصر مهم آن به شمار می رفت (بوسایلی و شرآتو ، ۱۳۷۶ ، ۳۹). مهمترین و مؤثرترین دستاوردهای ساسانی در زمینه معماری در توسعه گنبد و قرار دادن آن بر روی گوشواره و ساختن طاقهای عظیم بدون قالب بود. تقسیم موقتی وزنه های زیاد به قالب های ساختمانی، تمرکز دادن بار روی نقاط ثابت جداگانه (مانند کاخ سروستان) و استفاده عالی از طاقهای عرضی هم زمینه مناسبی برای پیشرفت های بعدی آنها فراهم ساخت (پوپ ، ۱۳۷۳ ، ۷۶). در معماری عهد ساسانیان احداث پوشش گنبدی بر فراز بنای چهارضلعی، ساختن تالارها و ایوانها با پوششهای گاهواره ای، ساختن چهار طاقیهای آتشکده ها، به صورت ساده و یا با دهلیزی در اطراف چهار طاقی مرکزی، تزئینات گچبری، نقاشی، موزائیک، ایجاد نقوش برجسته گچی در داخل ابنیه و نقوش برجسته سنگی بر صخره های کوهستان، عوامل عمده بشمار می رود (مصطفوی، ۱۳۴۶ ، ۴۴). در دوره ساسانیان یک بدعت گذاری در معماری ایجاد شده بود، آنها در کنجهای تالارهای بزرگ چهارگوش برای استحکام بیشتر، طاقهای قوسی کوچک می ساختند و به این ترتیب می توانستند هر جا که طاقیهای قوسی ایوان در مجاورت یک سطح مربعی قرار می گرفت، یک گنبد و یا مناره بنا کنند (کورتیس ، ۱۳۸۵ ، ۱۳۱). معماران ایرانی که در پی آن بودند که از طرح های چهارگوش به طرح های دایره وار برسند، گوشه طاق را کشف کردند. نخست به این اکتفا کردند که در گنبد، زوایای دو سطحی چهارگوش پی را گسترش دهند و کم کم موفق شدند به طاق گوشه حجم ربع مخروط و یا ربع کره بدهند. آنان در این مورد مبدع

بودند (گیرشمن ، ۱۳۵۰ ، ۲۸۹). در بیشاپور کف بعضی از بناها با موزاییکهایی که نقوشی از صحنه های خوش گذرانی مانند یک مهمانی دارند، فرش شده است. تأثیر آثار رومی در اینجا کاملاً مشهود است و ممکن است این موزاییکها به وسیله زندانیان رومی کار گذاشته شده باشند. در بیشاپور همچنین تزیینات گچ بری روی دیوار وجود داشته است. اما نمونه های بهتری از آنها در «بندیان» در شمال شرقی ایران واقع در «چال ترخان» نزدیک «ری» (اواخر دوره ساسانیان) و تیسفون باقی مانده اند (کورتیس ، ۱۳۸۵ ، ۱۳۱). در دوره ساسانی آثار معماری قابل توجهی که به کلی با معماری دوران هخامنشی تفاوت دارد بنا گردیده و اساساً مکتب هنری معماری تازه ای به وجود آمده است که خود فصل مهمی از تاریخ معماری ایران را تشکیل می دهد و نه تنها به عنوان معماری ایران در عهد ساسانی به شمار می رود بلکه اساس معماری اسلامی ایران هم بر پایه معماری دوره ساسانی استوار گشته و در معماری سایر کشورهای اسلامی نیز کاملاً موثر بوده است. به طور کلی می توان گفت همانطور که معماری دوره هخامنشی بر مبنای معماری شمال و مغرب ایران ایجاد گشته و با اقتباس از معماری های مختلف سرزمین های غربی و بکار بستن ابتکار و قریحه زیاد مراحل تکمیل و توسعه را طی نموده است. معماری عهد ساسانی براساس معماری بومی نواحی خشک مرکزی و شرقی ایران بنیاد گذاری شده است بدین معنی که در بناهای بزرگ سلطنتی شاهنشاهان هخامنشی پوشش سطح و احداث ایوان ها و تالارهای ستوندار سرمشق اصلی معماران و سازندگان ساسانیان بود و در بناهای عهد ساسانی اعم از کاخ های سلطنتی و آتشکده ها، پوشش های گنبدی و ساختن ایوان های دارای طاق های ضربی (گهواره-ای) و چهار طاقی های مخصوص آتشکده متداول بوده و اساس معماری عهد ساسانی را تشکیل داده است (مصطفوی، ۱۳۴۶ ، ۴۳). میان بناهای ساسانی و هخامنشی تفاوت های آشکاری وجود دارد که حاکی از شیوه های متفاوت معماری آنهاست و اختلاف فضای داخلی کاخ های این دو دوره از بارزترین تفاوت های مزبور می باشد. به این معنی که در دوره هخامنشیان به سبب متداول بودن معماری سه سنگی و به کار گیری مصالح سنگین و حجیم، استفاده از ستون های متعدد برای تحمل بار بنا لازم بود که با وجود آنها فضای داخلی محدود می گشت و حال آنکه در بناهای ساسانی با انتقال ستون به دیوارها و یا کنار آنها و کاهش تعدادشان در نتیجه استفاده از طاق ضربی، فضای وسیع تری پدید آمده است. به علاوه با افزایش بعد سوم به سبب تبدیل آسمانه مسطح به گنبد بر وسعت فضا افزوده گردیده است (تقوی نژاد دیلمی ، ۱۳۶۶ ، ۱۳۳). ساسانیان در زمینه معماری ایران موقعیت مرکزی مهمی دارند، زیرا از طرحهای یونانی پرهیز کرده و به

طرحهای ساختمانی هخامنشی بازگشتند، با این تفاوت که سبک هخامنشی ستونها، تنه درختی و تیر بزرگ خر حمال و سقف سبک و بلند پرسپولیس، جای خود را به سقف های گرد ضریبی که معمول بکار بردن آجر پخته در معماری بود، داد. دالان مسقف قبل از در ورودی در معماری هخامنشی که ایوان ستون داری دیده می شود، در کاخهای ساسانی به صورت ایوان و شاه‌نشین جلو باز کاخهای طاق کسری و فیروزآباد در آمده و گنبدی بر پایه های سه گوشه آجری روی آنرا پوشانده است. سبک ساختمان طاق کسری در نظرمان به منزله طرحهای عمده ساختمانی دوره ساسانی جلوه می دهد. ولی این سبک اهمیت بیشتری دارد، زیرا همین طرح پس از آن که دو طاق در دو سویش اضافه شد، ساده ترین نمونه خانه روستایی است و هنگامی که این طرح اصلی دو یا چهار برابر شود و دور حیاط رو بازی بنا گردد، خانه های اعیانی و کاخهای سلطنتی می شود، که در زمان اسلام به عنوان طرح اصلی مسجد، مدرسه و کاروانسرا از آن استفاده شده است (آربری، ۱۳۴۶، ۶۰). ساختمان های اصلی معماری ساسانی هم مانند هخامنشیان کاخ های شاهنشاهی بود و اصرار داشتند که مانند آنها شاهنشاه را در «آبادانا» مانند خدائی که از آسمان فرود آمده نشان دهند، این برنامه کارشان بود. اما راه حل های معماری هخامنشی برای ساسانیان ظاهراً پرهزینه و پیشرفت ناپذیر بوده است. زیرا بلندی تیرهای چوبی حد اعلائی دارد که در دوره هخامنشی از آن استفاده شده بود، بنابراین حتی در ساختمان های شاهی هم معماری طاقدار را که در دوره هخامنشیان بی شک معماری شناخته شده ای بوده رواج دادند (گدار، ۱۳۷۷، ۲۳۲). در نتیجه ابداع حقیقی معماری ساسانی ساختمان کاخ با طرح آمیخته است که در آن، طاق های گهواره ای موازی و گنبدها به طور هماهنگی قسمت های پذیرایی و بخش های اختصاصی ساختمان را که در هنر هخامنشی از یکدیگر جدا بودند، بهم می پیوندند (گیرشمن، ۱۳۵۰، ۲۸۳). در هنر ساختمانی هنگامی که به تحلیل معماری پرداخته شود، ویژگی های معماری ساسانی آشکارتر است. برخلاف هخامنشیان که در ساختمان های خود بالای در و پنجره سنگ سردر می گذاشتند، ساسانیان به زدن طاق قوسی توسل جستند که طرز سنگ چینی آن و طرح های بیضوی و نیم دایره و مقاطع آن به غرب مسیحی یا شرقی که تازه مسلمان شده بود انتقال یافت (همان، ۲۸۹). اقتباس از ویژگی های معماری هخامنشی همچون «شیار مصری» یا «فاق مصری» در فیروزآباد و یا پیشامدگی ها در بیشاپور فارس از آثار مستقل و در عین حال پراکنده و متفرق است؛ سایر عناصر معماری هخامنشی در تختان مصنوعی قصر شیرین از اهمیت زیاد و بنیادی برخوردار است. در شکل گیری آثار عمومی نظیر پل ها و سدها تاثیر شدید فرهنگ رومی مشهود است (بوسایلی و

شراتو ، ۱۳۷۶ ، ۳۷). در طرح کلی کاخ فیروزآباد، دو قسمت متمایز و مشخص معماری هخامنشی را به هم پیوند می دهد، از یک سو طرح «آبادانا» است، که ایوانی که به طرف خارج باز می شود از آن مشتق می گردد و با تالارهای مربع اطراف خود، تشکیل قسمت رسمی کاخ را می دهد. از سوی دیگر مسکنی است که مرکب است از طاق هایی که در پیرامون یک حیاط مرکزی قرار گرفته اند. این مجموعه ترکیبی همچون مبنای معماری ساسانی بوده است (گیرشمن ، ۱۳۵۰ ، ۱۲۸). به علت تغییر یافتن مصالح ساختمانی از سنگ به ساروج در نتیجه هنر طاق زدن بناهای ساسانی با ساختمان های عصر هخامنشی تغییر کلی یافته است. رواق های وسیع پرسپولیس که با آن ستون ها به صورت یک طاق عمیق درآمده و تالار مسقف مستطیل که در پاسارگاد و در پرسپولیس مربع ساخته شده است، همه به صورت یک سقف گنبدی بر روی اتاق مربع درآمده است. احتیاج به قرینه سازی که در معماری عصر هخامنشی وجود داشته سبب شد که اتاقهای مستطیل به طرح مربع ساخته شود. در کاخ فیروزآباد به سبب تکرار اتاقهای مشابه یکدیگر و هم ردیف، نمایان می شود (هرتسفلد ، ۱۳۵۴ ، ۱۶۲). از تفاوت های دیگر معماری ساسانی و معماری هخامنشی می توان به این نکات اشاره کرد : ۱) سقف های گنبدی شکل، ۲) تغییر جنس مصالح، ۳) قوس دار شدن دهانه ها، ۴) عقب نشینی پای قوس به خاطر ملاحظات زمان ساخت، ۵) ساخت اندود گچ در پرسپولیس، زیرا سنگ های صیقل خورده بودند، اما خشت و خاک را باید با اندودی می پوشاندند، ۶) تمام اتصالات غیرگیردار هستند و از ملات استفاده نشده است، ۷) در معماری ساسانی برای خثی کردن نیروی رانشی گنبد فضاهای به اطراف بنا اضافه می شود، مانند شبستان ها و گنبدهای جانبی، در معماری هخامنشی نیرو از ستون به زمین منتقل می شود، پس پی باید گسترده باشد، یعنی زمین سخت باشد.

نتیجه

در معماری دوره هخامنشی با توجه به امکانات و محدودیت‌ها و شرایط و موقعیت‌ها و ریشه‌های ظهوری آن نوعی از سازگاری فرهنگ فضا و منطق‌سازه، ملاحظه می‌شود. که اهمیت ویژه ساختمان را به عنوان رابطی میان خواسته‌های انسان و دنیا در نظر سازندگان و برپا کنندگان آنها بیان می‌کند. با بررسی مدارک و آنچه که از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده است، می‌توان معماری دوره هخامنشی را به این صورت معرفی کرد: یکی از عناصر مهم ساختمانی صدفه است که پشت به کوه دارد و روی آن ساختمانهای کاخها و اقامتگاههای شاهی را با پلکانهای سنگی برای صعود به صدفه بنا می‌کردند. معماری هخامنشی از پیشینه‌ای غنی و بادوام برخوردار است. معماری این دوره به نوعی شکل تکامل یافته معماری ایلامی و مادی است و به عبارت دیگر هخامنشیان از آن مجموعه فنون و هنرهای ساختمانی با روشی خاص و استادانه استفاده کردند. معماری دوره هخامنشی به علت وجود آزادی مذهبی و قدرت مرکزی و نیز به قصد ایجاد قدرت و عظمت موفق شد، به پیشرفت چشمگیری برسد. ساسانیان عظمت ایران هخامنشی را مجدداً زنده کردند و به دلیل آنکه خود را وارث دودمان هخامنشی می‌دانستند و در عرض یک ربع قرن معماری‌ای به وجود آوردند که مانند معماری هخامنشی، معماری درباری بود و از حیث عظمت با معماری روم و بیزانس برابری می‌کرد و گاهی بر آن برتری داشت. معماری ساسانی ترکیبی از معماری قدیم ایران با جریان‌های مختلفی بود که از سمت شرق و غرب آنرا متأثر کرده بود. هنر ساسانی مانند یک نیروی مشخص و عامل جدید دخالت نکرد، بلکه مانند مظهر کهن‌ترین و پایدارترین تجربه‌های هنری جلوه‌گری کرد. معماری ساسانی خود را به گذشته بزرگ هنر طبیعی گرای هخامنشی پیوست. ساسانیان مانند هخامنشیان در ساختمان‌هایشان گیلویی مصری زیاد بکار می‌بردند مانند کاخ فیروزآباد و کاخ بیشاپور. در این کاخ مانند دوره هخامنشی سرستون‌هایی را به شکل نیم تنه گاو در زیر حماله‌ها قرار می‌دادند. برخی از ابتدایی‌ترین سبک‌ها مانند ایوان ستون دار یا تالار که در مقبره‌های درون صخره‌ها در نزدیکی پرسپولیس نمایان گردیده است دوباره در معابد ساسانیان پدیدار گشت. در بعضی از نقاطی که هخامنشیان در دامنه کوه‌ها آثار، نقوش و سنگ نبشته‌هایی از خود بجا گذاشتند، ساسانیان نیز در همان محل و در زیر نقوش برجسته هخامنشیان آثار خود را احداث کردند. گویا آنها می‌خواستند در زیر حمایت اهورمزدا بوده و احترام کامل خود را نسبت به مقدسات و پادشاهان هخامنشی ابراز نمایند، زیرا شاهان ساسانی عقیده داشتند که سلطنت آنان موهبتی است که اهورمزدا به آنها بخشیده است و

خود را صاحب فره ایزدی می دانستند. در برخی از بناهای دوره ساسانی، هنرمندان محلی در ابداع آثار خود از اصول و سبک های هنر هخامنشی سود جسته بودند و سپس با ظهور و نفوذ هنر ساسانی در آن مناطق، سبک محلی آنها تلفیقی با هنر ساسانی شد که در آنها عناصر هنر هخامنشی را بیشتر می توان جستجو کرد. در هنر معماری دوره ساسانی یک نوع عناصر قدیم و کهن که مربوط به دوره هخامنشیان است مشخص است که نشان دهنده سنن و آداب و رسوم محلی است. مانند قصر شیرین که روی سکوی مصنوعی آن پلکان مضاعفی شبیه به آنچه در پرسپولیس وجود داشت ساخته شده است. به دلیل بزرگی بنا چنین به نظر می رسد که با بناهای یادبود هخامنشی برابری می کرده است. در دوره ساسانی معماری ایرانی چنان محفوظ ماند که با وجود وقفه های متناوب و انحرافات موقتی که در نتیجه کشمکش های داخلی یا تجاوزهای خارجی پدیدار شد. در بناهای این دوره مقیاس ها به طور اصولی درک می شد و با مهارت به کار می رفت و آنچه که از معماری ایران باستان بجا مانده است نشان دهنده اصالت و شکوه معماری است. معماری ساسانی از یک طرف وارث سنتهای معماری هخامنشی بود که در زادگاه ساسانیان در فارس پایدار مانده بود و از طرفی جانشین هنر پارتیان بود. نکته مهم و قابل تعمق آنکه معماران ایرانی با ورود اسلام به ایران از سبک و ویژگی های معماری ساسانی در ساخت بناها استفاده کردند.

منابع و مأخذ

۱. آربری، آرتور جان و دیگران، (۱۳۴۶)، میراث ایران، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. آژند، یعقوب، (۱۳۹۰)، تاریخ هنر باستان، تهران، سمت.
۳. بوردمان، جان، (۱۳۹۰)، ایران و جهان غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، طهوری.
۴. بوسایلی، ماریو و شراتو، امبرتو، (۱۳۷۶)، هنر پارسی و ساسانی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
۵. پوپ، آرتور اپهام، (۱۳۸۷)، شاهکارهای هنر ایران، اقتباس و نگارش پرویز ناتل خانلری، تهران، علمی و فرهنگی چاپ چهارم.
۶. -----، (۱۳۷۳)، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، فرهنگان، چاپ سوم.
۷. پیرنیا، حسن و اقبال‌آشتیانی، عباس، (۱۳۷۶)، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، تهران، خیام، چاپ هشتم.
۸. پیرنیا، حسن، (۱۳۶۲)، ایران باستان، ج ۲، تهران، دنیای کتاب، چاپ دوم.
۹. پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۷)، تحقیق در معماری گذشته ایران، تهران، سروش دانش، چاپ دوم.
۱۰. تقوی‌نژاد دیلمی، محمدرضا، (۱۳۶۶)، معماری شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، تهران، یساولی، چاپ دوم.

۱۱. جعفری دهقی، محمود، (۱۳۹۰)، بازشناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان، تهران، سمت، چاپ دوم.
۱۲. دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۹۱)، تمدن ایران و مشرق زمین، ترجمه حسن کامیاب و دیگران، تهران، بهنود.
۱۳. دیاکونوف، م، (۱۳۴۶)، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۴. رسولی، هوشنگ، (۱۳۸۸)، تاریخچه و شیوه‌های معماری در ایران، تهران، پشتون، چاپ چهارم.
۱۵. سرفراز، علی‌اکبر و فیروزمندی، بهمن، (۱۳۸۵)، باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد و هخامنشی و اشکانی و ساسانی، تهران، مارلیک.
۱۶. شایان، فریدون، (۱۳۵۱)، سیری در تاریخ ایران باستان، تهران، رز.
۱۷. فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۴۴)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۸. فریه، دبلیو، (۱۳۷۴)، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرزانه روز.
۱۹. کرتیس، جان، (۱۳۹۱)، تاریخ تمدن ایران، ترجمه ایران نعمتی، ج ۱، وزرا.
۲۰. کورت، آملی، (۱۳۷۸)، هخامنشیان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس.
۲۱. کورتیس، جان، (۱۳۸۵)، ایران باستان به روایت موزه بریتانیا، ترجمه آذر بصیر، تهران، امیرکبیر.

۲۲. گدار، آندره، (۱۳۷۷)، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی،

چاپ سوم.

۲۳. گیرشمن، رومن، (۱۳۴۴)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، بنگاه

ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.

۲۴. -----، (۱۳۷۶)، فرهنگ‌های هنری ایران تا قبل تاریخ، ترجمه یعقوب آژند،

تهران، مولی.

۲۵. ۲۵- -----، (۱۳۹۰)، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام،

تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

۲۶. -----، (۱۳۵۰)، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی،

تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۷. لوکونین، ولادیمیر گریگوریوویچ، (۱۳۵۰)، تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت‌اله رضا،

تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۸. مانوئل کوک، جان، (۱۳۸۴)، شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران،

ققنوس.

۲۹. مشتاق، خلیل، (۱۳۸۷)، هنر و معماری ایران در دوره باستان و دوره اسلامی، تهران،

آزاداندیشان.

۳۰. مصطفوی، سید محمدتقی، (۱۳۴۶)، نگاهی به هنر معماری ایران، تهران، شرکت سهامی

سیمان ایران.

